



نسان نودینیان

حزب الله را در خدمت دستگاه سرکوب بکار گرفت، اعدام و سنگسار و حلق آویز کردن مردم، کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی وسیله و ابزار سرکوب خونین رژیم سیاه اسلامی هستند. جمهوری اسلامی با دستگاه سرکوبش اکنون در مقابل انقلاب و اعتراض مردم بویژه جنبش سرنگونی عقب نشسته است. هر عمل و اقدام علنی

صفحه ۲

## نکاتی در باره جایگاه فعالیت و سازماندهی در محلات شهرهای کردستان

در شرایط و اوضاع سیاسی معینی و تحت فضای مبارزاتی در هردوره در جامعه تناسب قوا و کشمکش مردم و رژیم، مبارزه از شکل عادی و پراکنده بیرون میزند و به خیابان میاید، در این شرایط مردم و رژیم سعی میکنند، بر دیگری غلبه کنند. جمهوری اسلامی به یک دستگاه سرکوب خونین در طول عمرش متکی بوده است. سرکوب، اعدام و زندان، با مساجد و دادگاه و مذهب و فرهنگ اسلامی، ماشین سرکوب رژیم سرمایه اسلامی هستند. جمهوری اسلامی در هر دوره این دستگاه سرکوب سیاه و مذهبی را بکار گرفته است. در بدو سرکار آمدنش لشکر و گله

تظاهراتهای مردم در فاصله ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر، تصویر و شیوه دیگری از مبارزات متشکل مردم را به نمایش گذاشت. درس گیری و جمع بندی تظاهرات آندروه و آمادگی برای استقبال رویدادهای آتی کار دائمی ما کمونیستهاست. تحلیل و جمع بندی تجارب، راه های بهبود فعالیت های متشکل و اعتراضات دوره اخیر امر تعطیل ناپذیر ما است. در این نوشته به بخشی از تجارب و جمع بندی تظاهراتهای ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر میپردازم و استنتاجاتم را برای دوره آتی روشن خواهم کرد. واقعیت این است انقلاب مردم برای سرنگونی رژیم نکبت و سیاه اسلامی راه افتاده است.

## معلمان در مصاف با رژیم اسلامی

اماکن عمومی و حتی در کربدورهای مجلس و دولت خبر دور دیگر از اعتراضات معلمان موج میزند. در حالیکه اعتراض و اعتصاب کارگران باقی و کارگران ایران خودرو هنوز در جریان است، قرار است که روزهای ۱۳ و ۱۴ مهر معلمان در سراسر ایران ساعاتی به اعتراض به خواسته های پاسخ نگرفته خود، از کار دست بکشند، تا خود را برای اعتصاب وسیع در روز ۱۷ مهر آماده کنند.

این دور از مبارزات بر حق معلمان در حالی شروع میشود که جنبش برای سرنگونی نظام اسلامی با پشت سر گذاشتن مبارزات خرداد و تیر سال جاری موازنه را کاملاً به نفع مردم تغییر داده است و سرنگونی رژیم را به مساله روز تبدیل کرده است. رژیم اسلامی در چنگ جنبش سرنگونی طلب

صفحه ۴



عبداله شریفی

abe\_sharifi@yahoo.com

با باز شدن مدارس و دانشگاهها دور جدیدی از مبارزات جوانان و مردم آزادیخواه ایران شروع میشود. دانشجویان در ارومیه، در مشهد، در تهران، با اعتراض استارت سال تحصیلی را زدند. انکار خاتمی و کروی با فشار دادن زنگ مدارس ناقوس مرگ نظامشان را به صدا در آوردند. امروز در کوچه و خیابان، در مدرسه و محل کار و در

## "قانون شکنی" قوه قضائیه یا هراس از سقوط رژیم؟

ایرج فرزاد



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

به راستی باید به گردن زعمای بخش خارج کشوری گرایش ملی مذهبی مدال دو رویه شجاعت و رشادت و شرافت سیاسی آویخت. "جامعه دفاع از حقوق بشر و دموکراسی در ایران- گوتنبرگ- سوئد" در اعلامیه ای که در حمایت از "روزه سیاسی"

روز دوشنبه این هفته صادر کرده است، و طبق روال معمول سایت ایران امروز وابسته به اکثریت، آنرا انتشار اینترنتی داده است، به "قانون شکنی های" قوه قضائیه اعتراض کرده است! اگر خانواده ملی مذهبیهای زندانی در اعلامیه حمایت از روزه سیاسی مینویسند: «ما سالهاست روزه صبر گرفته ایم و از سلامت و رفاه و آسایش خود و عزیزانمان "زکات فطریه" را پرداخت کرده ایم» شاید کمتر قابل ایراد است به این دلیل ساده که خود را صریح طیف ملی مذهبی خوانده اند و بعلاوه در ایران تحت سلطه امثال شاهرودی و حسین شریعتمداری و رفسنجانی و خامنه ای زندگی میکنند. اما جناح پرو رژیم ملی مذهبی در خارج از حیطه رژیم اسلامی وقتی فرمول اعتراض خود را با "قانون شکنی" قوه قضائیه بیان میکند، این دیگر صریح و آشکار دفاع از قانون جمهوری اسلامی و اعتراض به "شکنندگان" آنست که در عمل

صفحه ۲

در رابطه با چنان پاختن کارگر کارخانه ایرانی خودرو

حسین مرادیگی

صفحه ۳

واقعه هولناک

سقوط اتوبوس

در سقز، جان

۲۱ نفر را گرفت

صفحه ۳

ایسکرا  
iraj\_farzad@yahoo.com  
سردبیر: ایرج فرزاد  
فکس: 00448701687574  
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵  
چهارشنبه ها منتشر میشود.

رادیو انترناسیونال  
۲۱ متر - ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز  
۹ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران  
به دیگران اطلاع بدهید  
radio7520@yahoo.com  
Tel: 0044 7714611099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0046 8 659 0755  
رادیو انترناسیونال روی اینترنت  
www.radio-international.org

تلویزیون انترناسیونال  
پخشیه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر  
تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر  
بوقت تهران  
در شبکه تلویزیونی کانال یک  
تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:  
www.wpiran.org/TV

## «قانون شکنی» قضائیه

که در جریان ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر زمین را زیر پای حکام اسلامی به لرزه در آورد. با بازگشائی مدارس و دانشگاهها، هشداری معلمان و آمادگی آنها برای اعتراضات وسیع، گسترش دامنه اعتراضات کارگران علیه بیکار سازیها و برای گرفتن حقوق معوقه، خشم و نفرت فرو کوفته علیه فقر و فلاکت که تمام جامعه ایران در میان ثروت اندوزی و چپاولهای میلیاردری مشتی طفیلی حاکم را در بر گرفته است، دیگر قابل کنترل در مجرای کشمکش جناحهای رژیم نیست. تلاش یاران حقوق بشر اسلامی در خارج کشور برای محدود کردن اعتراضات به افسار زدن به چموش بازیهای شاهرودی در قوه قضائیه رژیم، فقط میتواند ارتجاعی نام گیرد. با حذف اسلام سیاسی از قدرت و بزیر کشیدن رژیم اسلامی، تمام تاریخ این جریانات خرد و ریز و قدیم و جدید لشکر وحشت زدگان از سرنگونی رژیم اسلامی در پرونده این رژیم و بعنوان متمم تاریخ رژیم اسلامی کلاسه شده و در دسترس وجدان مردم ایران و جهان متمدن و قضاوت آنها قرار خواهد گرفت. □

## باید هرچه زودتر... (ادامه از صفحه ۴)

جوانان اعتراض کارگران را علیه خود دامن خواهد زد. جنبش سرنگونی طلبی به چنین وحدت و همبستگی مبارزاتی ای با رهبری حزب کمونیست کارگری نیاز دارد. راه پس و پیشی نباید برای جانوران اسلامی باقی گذاشت، جمهوری اسلامی را باید انداخت و بر ویرانه اش باید دنیای بهتری را ساخت. این روندی است که دارد در میان رجزخوانیهای سران رژیم و چنگ و دندان نشان دادن گاه و بیگاه آنان و رژه اوباش موتور سوار حزب الله و تلاش ردیالانه بقایای لشکر شکست خورده دوم خرداد و حامیان آنان برای جلوگیری از سرنگونی جمهوری اسلامی، راه خود را سریعاً باز میکند. صدای این موج کوبنده که برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی بحرکت در آمده است، از هر زمانی رساتر بگوش میرسد. باید جمهوری اسلامی را انداخت و هرچه زودتر از شر آن راحت شد.

\*\*\*

زندانانی و پاسداری و مقام بالای وزارت اطلاعات را هم خود انکار نمیکنند، محدود کند، نه ریگ که کلوخه های بزرگی در کفش دارد. اینها قهرمانان و پرسوناژ و همراهان امام در ایام غیبت او نیز هستند. در دوره‌ای که سران جنبش اصلاحات و از جمله آنها "جامعه شناس گرانقدر، جلائی پور، که نمیتواند برای خود با سابقه درخشان رهبری اعداد ۵۹ نفر زندانی سیاسی در مهاباد، سیمای مدافع حقوق زندانی و آزادی بیان را بترشد، شکست دو خرداد را اعلام میکند و سعید حجاریان این شهید زنده جریان ۲ خرداد، "اصلاحات مرد" را با صدای رسا اعلام میکند، در طیف اپوزیسیون پرو رژیم، اما، تازه بحث قدرت بسیج توده ای ۲ خرداد علم میشود و کنگره فوق العاده اکثریت با گرایش " زنده بودن جنبش اصلاح طلبی" جان تازه ای به امثال فرخ نگهدار میدهد که حتی در دایره همان جریان توده - اکثریت به حاشیه رانده شده بود. عروج خاتمی با لبخندش بر لب و عمامه قدری بالاتر از پیشانی، نور امید و تکیه گاه طرفداران رژیم رانده شده به اپوزیسیون شد تا بتوانند حمایتی پیشین از خیمه و دولت رفسنجانی و کینه ضدکمونیستی خود را با خیال آسوده پیوشانند و انتقاد از خودهای دیپلوماتیک را در حمایت از کشتار مردم کردستان و ترکمن صحرا پس بگیرند و دگر باره شرکت خود در "سرکوب ضدانقلاب" در آمل و شهید و زخمی دادن خود را در کنار رشادتها و مجاهدتهای برادران پاسدار محفوظ نگاه دارند. این بار و در دامنه شعاع فریاد "اصلاحات مرد"، روزه سیاسی و مراسم افطار و نماز همراه آن، بهانه و توجیه جدیدی بدست داده است تا همان طرفداران همیشگی رژیم اسلامی میهن، نه از تناقض حاکمیت رژیم اسلامی با آزادی بیان و اندیشه که از قانون شکنی های شاهرودی در قوه قضائیه قیافه غمگین به خود گیرند. اما مشکل اینها حل شدنی نیست و کابوس و دلهره شان قابل رفع نیست. آنچه که به روزه داران سیاسی "داخل" قوت قلب داده است، نه جست و خیزها و کشمکشهای درونی رژیم و تضاد روزنامه نگاران و نویسندگان خودی با قوه قضائیه و نیروهای "خودسر" وزارت اطلاعات "دولت اصلاحات"، که قدرت و نیروی عظیمی است

نه قوه قضائیه که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران را شامل میشود. جناح اپوزیسیون پرو رژیم که رهبری سیاسی آنرا اکثریت و حزب توده با میراث بجا مانده از شخصیتهای "همراه امام" در ایامی که "زمان به کامشان بود"، به عهده دارند، حتی از جانبداران "صادق" جریان دو خرداد هم نیستند. دو خرداد و خاتمی برای اینها پوششی بود تا شرم و خجالت ناشی از افتضاح قرار گرفتن در کنار همه جنایتیهای "رهبر" انقلاب اسلامی" میهن را کنار زنند و به موضع پیشین دفاع هویتی و استراتژیک از کل پدیده جمهوری اسلامی بازگردند. این طیف، کل مجموعه ریز و درشت اپوزیسیون پرو رژیم در خارج از سلطه مستقیم رژیم اسلامی، بخشی از همان گرایش ملی مذهبی است که هم اکنون در حاکمیت است و به تعبیر خود آنها، جناح "اقتدارگرا" نامیده شده است، اما زمختی این جناح درواضع بعد از مرگ خیمه و فرض گرفتن دور شدن رهبر واقعی این جناح، یعنی باز همان خمینی، از حافظه ها، اپوزیسیون پرو رژیم را ناچار کرده است که در لباس "اصلاح طلبی" خود را آرایش دهد.

درست در شرایطی که زندانیان خودی رژیم موجب شده اند تا فشار به جناح "انحصار طلب" وارد دور تازه ای بشود و از این طریق شکاف در درون رژیم بیشتر شود، کل اردوی اپوزیسیون پرو رژیم با اعضا و محافل تازه وارد خود، به منظور عبور دادن رژیم از این تند پیچ تازه، "خطر" نقض آزادیهای سیاسی و وجود زندان و زندانی و شکنجه و تفتیش عقاید را نه در کلیت رژیم اسلامی که در "قانون شکنی" بخش کوچکی از جناح "اقتدارگرا" یعنی در قوه قضائیه تحت ریاست شاهرودی دیده اند. به این ترتیب اینها در واقع امتداد کمیسیون حقوق بشر اسلامی وابسته به همان جناح اقتدارگرایان از آب در آمده اند. کسی که تحت حاکمیت رژیم اسلامی و با در نظر گرفتن بیش از یک ربع قرن کارنامه نسل کشی و زندان و شکنجه و تعزیر و شلاق و سنگسار و قصاص و ضد سلطه همه قوانین کثیف و ضد انسانی اسلامی، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و حق آزادی بیان و اندیشه را در اعتراض به قانون شکنی قوه قضائی رژیم و آهم برای خودیهای که اکثر سابقه

## « نکاتی در باره جایگاه فعالیت...»

(ادامه از صفحه ۱)

مهاباد، سفر و ... است. انعکاس اخبار اعتراضات زنده و جاری، خبر رسانی تشویق مردم به تجمع و تحرک در محلات، در حالیکه مردم به خیابان آمده اند، کار فعالین جنبش سرنگونی و کمونیسم کارگری را ساده میکند. ایجاد فضای انقلابی و اعتراضی در اینروزها فاکتور تعیین کننده ای است.

تجارب تاکنونی در ارتباط با تحرک سیاسی و اعتراضی مردم و فعالین چپ جنبش سرنگونی رژیم اسلامی در کردستان بر یک واقعیت انکار ناپذیر که باید همین امروز به آن جواب داد، تاکید میکند، فوکوس روی محلات و کار در این عرصه است. محلات میتواند و باید به ستاد اعتراض توده ای مردم و جوانان تبدیل شود. محلات یکی از ستادها و عنصر فعال جنبش سرنگونی هستند. در دوره سرکوب جمهوری اسلامی در کردستان در سالهای ۵۸ و ۵۹ محلات نقش کلیدی و اساسی داشتند. پیشینه و سوابق درست کردن "بنکه های محلات" به این تجربه مهم سازمانیافته جوانان، زنان و مردم محلات مربوط میشود.

به هر درجه بر سازمانیافتگی و تغییر تناسب قوا مردم و رژیم اسلامی در شرایط کنونی نزدیک میشویم، اهمیت کار در محلات با برجستگی بیشتری روشن میشود. محلات جایگاه ویژه ای در شکل گیری اعتراض توده ای دارد. بقول کورش مدرسی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران در انترناسیونال ۱۶۴: "محلات مسکونی را میشود و باید از کنترل جمهوری اسلامی خارج کرد. پروسه سرنگون کردن جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت مستقیم مردم را از همینجا میشود و باید شروع کرد. در محلهای که جمهوری اسلامی ریشماید ندارد، این شامل بخش اعظم محلات مسکونی میشود، باید قوانین جمهوری اسلامی غیر قابل اجرا شوند و حضور اوباش اسلامی بسادگی و در تعداد کم ناممکن شود. روشن است که در شرایطی که هنوز جمهوری اسلامی سرکار است جزیره آزادی را در یک محل مسکونی نمیشود ساخت. اما از جزیره آزادی تا وضعیت امروز انواع و اشکال تناسب

رژیم با عکس العمل قهر آمیز و اعتراضی مردم روبرو میشود، خارج از تظاهرات خیابانی ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر در یکی دو ماهه گذشته، مورد سمیرم و سردشت و شهرهای دیگر شاهد این ادعا است. جمهوری اسلامی روی دریایی از تنفر به بقا خود ادامه میدهد. جامعه در حال انفجار برای سرنگونی است. اما، فاکتوری که امروز میتواند تناسب قوا را عوض کند و فعالیت و کار مردم، زنان و جوانان را شکل بدهد، تلاش برای متشکل شدن است.

در کردستان بطور واقعی اختلاف فاز در عرصه هماهنگی مبارزات مردم در شهرهای دیگر و ویژه در تهران وجود دارد. در چند سال گذشته این اختلاف فاز خود را نشان داده است. ۱۸ تیر تا ۲۰ خرداد در بیشتر شهرهای ایران، تهران و اصفهان و مشهد و شیراز و آبادان و تبریز و ... اعتراضات و تظاهرات مردم در شکل سراسری و وسیع هزاران نفری در جریان بود، اما در سنندج، مهاباد و سفر و دیگر شهرها شاهد کم تحرکی در شکل اعتراضات خیابانی بودیم.

نوع خودش چهره یک اعتراض توده ای و قهر آمیز را بخود گرفت، اما در هماهنگی با اعتراضات سراسری مردم در شهرهای مختلف ایران نبود. ما در دوره گذشته بروزات این اختلاف فاز، در تناسب قوای مردم و رژیم را در کردستان شاهد بوده ایم. مکانیسم زمینی هر اعتراض و جنبشی برای سرنگونی جمهوری اسلامی تاثیر پذیری و گرفتن نیرو از نیروی متشکل مردم است. فضای سیاسی، جو و آتمسفر اعتراض توده ای، انعکاس این اعتراضات در میان مردم، سبب بالا رفتن تحرک اعتراضی میشود و به تبع آن تحرک بالا و سازمانیافته و فکر شده فعالین اعتراض توده ای موجب به خیابان کشیدن مردم در محلات و شهرها را ایجاد خواهد کرد. با این توضیحات تشخیص شرایطی که باید فوری اقدامات را در دستور گذاشت و از فضای اعتراض عمومی مردم که در سایر نقاط و شهرهای ایران شروع شده است، یک فاکتور مهم در تعیین هماهنگی بین اعتراض مردم کردستان و شهرهای سنندج،



## باید هرچه زودتر از شر جمهوری اسلامی راحت شد!

در رابطه با جان باختن کارگر کارخانه ایران خودرو



حسین مرادیگی

احتمالا از خبر اسفناک درگذشت یک کارگر در کارخانه ایران خودرو بر اثر شدت کار اطلاع داشته باشید، این حادثه که حدود دو هفته قبل روی داد، با اعتراض عمومی کارگران کارخانه ایران خودرو رویرو شد، در روزنامه های رژیم نیز وسیعا انعکاس یافت،

به میان کارگران دیگر کارخانه ها رفت و اعتراض آنان را نیز برانگیخت. این حادثه دردناک باردیگر توجه جامعه را به آنچه که در محیطهای کار از جانب حکومت اسلامی و کارفرمایان بر کارگران میکند، جلب کرد. هم اکنون کارگران ایران خودرو خواهان محاکمه عاملین این حادثه دردناک هستند و همچنان به اعتراض خود نسبت به عدم امنیت محیط کار، پائین بودن دستمزدها و نبودن روزهای تعطیل در طول یک هفته کار در این کارخانه ادامه میدهند، صدای اعتراض کارگران ایران خودرو صدای اعتراض همه کارگران است به وضع موجود.

شکی نیست حوادث و اتفاقات دردناک ناشی از عدم ایمنی محیط

در اعتراضات این چند روز به عقب راندن شعار "رفراندوم" بود.

این یک حمله کیش و مات برای راست پرو غرب و طرفداران "اصلاحات" در طیف بقایای دوزخدادیها بود. در ایندوره وضعیت از آنچه انتظارش را میکشیدند فراتر رفت. شور و هیجان انقلابی محور اعتراض بود و شعار زنده باد آزادی زنده باد برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی، مطالبه و خواست جنبش سرنگونی، عقب راندن "رفراندوم" و به جلو صحنه آوردن شعار آزادی برابری مرگ بر جمهوری اسلامی هسته اصلی مطالبات رادیکال ایندوره است. این دیگر به چه پرچم جنبش سرنگونی است. و چه جامعه پرچم رهایی را در دست دارد. این پرچم مهم است. این یک نقطه قدرت درخشان و قابل اتکا است. مردم اکنون میدانند چه میخواهند و میدانند برای چی باید بجنگند.

به همین دلیل سیاسی نام اعتراضات دوره اخیر را انقلاب گذاشتند. وقتی نام انقلاب و تغییر در جریان است، وقتی همه بر این باورند که دستگاه سرکوب رژیم دیگر مثل سابق نیست. اینجاست باید بفکرهای اساسی تر و جا افتاده تری برای قدرت عمل بیشتر، افتاد. اینجاست باید چه جامعه، کمونیست کارگریهای جامعه کردستان در فکر کارهایی اساسی

کار و عوارض ناشی از شرایط بسیار بد مراکز کار که اولی در اغلب مواقع منجر به جان باختن کارگران، نقض عضو و یا دیگر صدماتی از قبیل شکستن دست و پا، و در دومی باعث کمر درد، درد پشت و انواع دیسک کمر و گردن و رماتیسم و سل و انواع بیماریهای تنفسی و مربوط به شش و پیر چشمی و غیره میشود بخشی از شرایط کار اکثر کارگران ایران را تشکیل میدهد. اینگونه حوادث جزو اتفاقات رایج در محیطها و مراکز کار ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است که موارد آن در سال به صدها مورد بالغ میشود که تنها گوشه های کوچکی از آن، آتم در یکی دو سال اخیر، به روزنامه های رژیم راه پیدا کرده اند. در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی با تهدید سرزیزه و اختناق میتوان از کارگر با هر شدتی کار کشید، از دادن هیچ روز تعطیلی در هفته به او خودداری کرد، حقوقهای معوقه اش پرداخت

تر و قابل انتکارتی باشند. اینجا دیگر کمونیست کارگریها در محلات باید افاق تازه ای را روی جوانان دختر و پسر، مردم محله و محافل نزدیک باز کنند. سازماندهی در محلات و از هم اکنون کنترل محلات یکی از افقهای عملی ایندوره است.

چه کارهایی را باید در دستور گذاشت؟ مکانیسم فعالیت در ایندوره کدامها هستند؟ از کجا باید شروع کرد؟ و ده ها سوال و جوانان در محلات رسیده است. جوانان امروزی نسل رهبران سیاسی و عملی انقلاب آتی هستند. چه تعرض، رادیکالیسم انقلابی بویژه ندادن امتیاز به مذهب و جماعت آخوند و مزدوران جمهوری اسلامی، دفاع از عدالت و برابری طبلی، طرفداری از شادی و رفاه از ویژگی های رادیکالیسم ایندوره است.

جنبش جمع کردن مردم حول شعار زنده باد آزادی زنده باد برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی شعار مورد قبول و توافق توده وسیع مردم است. دقیقا اینجاست باید تاکید کرد قدرت جمهوری اسلامی و اوایش سرکوبگر آن در قابلیت دستگاه دولت آن نیست، در پراکندگی مردم است. سازماندهی و بسیج مردم محله اعم از زنان، جوانان دختر و پسر حول شعار در

نکرد، به کارگر آماده بکار و به کارگری که کارخانه اش بهر دلیل تعطیل میشود، میتوان بیمه بیکاری نداد و او را سر دواند، وقتی هم کارگری در حین کار جانش را از دست میدهد یا نقص عضو پیدا میکند، نه حکومت اسلامی مسئول است نه کارفرما، نه خسارتی در کار است نه بیمه و نه برای ایجاد امنیت کافی در محیط کار اقدامی صورت میگردد. اینها نرم شرایط کار در ایران بوده است که از جانب جمهوری اسلامی بزور و خشنترین شیوه قابل تصور به طبقه کارگر ایران تحمیل شده اند. بنابراین تا اینجا چیز تازه ای اتفاق نیفتاده است، آنچه که تا زگی دارد عکس العمل اعتراضی سریع و وسیع کارگران کارخانه ایران خودر به این حادثه اسفناک، انعکاس وسیع خبر آن در سطح جامعه و در میان مردم و ناچار شدن جمهوری اسلامی به عکس العمل و چاره جویی در این مورد

### صفحه ۴

محلات در قالب تجمعات مختلف، مراسمهای شادی و قرار و مدارهای بزرگ و کوچک برای مثلا یک روز کوهنوردی، و رفتن به اطراف شهر و آشنایی با مردم محل یک ابزار موثر در سازماندهی مردم محله است. همچنانکه گفتیم، خبر رسانی و مطلع کردن مردم محله از اخبار و رویدادها بطرق مختلف ابزار سازماندهی مردم محله نیز است. رسانه های حزب کمونیست کارگری رادیو و نشریات انترناسیونال و ایسکرا و تلویزیون یک دنیای بهتر و انترناسیونال وسیله های کارایی در بالا بردن روحیه و فضای سیاسی و مبارزاتی و بسیج مردم است. رسانه ها و ارگانهای تبلیغی و تصویری حزب در بسیج افکار عمومی نقش موثر و فوری دارند. مهم این است کمونیست کارگریها در محلات با انجام ابتکارات جالب و تشویقی در معرفی و ایجاد سمیاتی به رسانه های حزب کمونیست کارگری فعال باشند. انتقال تجارب، مکاتبه با ایسکرا در ارتباط با موانع کار در محلات، بازتاب فعالیتهایی که در این زمینه در محلات انجام میگردد، به پیشرویهای کمونیست کارگریهای ساکن محلات در شهرهای مختلف کمک میکند. با ایسکرا مکاتبه کردن خود بخشی از این پروژه است. □

## واقعه هولناک سقوط اتوبوس در سقز، جان ۲۱ نفر را گرفت

ساعت ۴ و نیم بامداد روز شنبه ۵ مهر ماه ۱۳۸۲ (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۳) یک اتوبوس مسافری که از تهران عازم سقز بود، در ۲۵ کیلومتری شهر سقز، نزدیک روستای "سنته" از پل واقع بر رودخانه "خورخوره" به داخل رودخانه سقوط میکند. متأسفانه در همان اولین لحظه ۱۶ نفر از ۳۰ نفر سرنشین اتوبوس از جمله راننده و کمک راننده اتوبوس فوراً جان خود را از دست میدهند و بقیه همگی زخمی میشوند. ۲ نفر از زخمیها قبل از رسیدن به بیمارستان و ۳ نفر دیگر بعد از مدت کوتاهی در بیمارستان سقز جانباختند و آمار کشته شدگان این واقعه دلخراش به ۲۱ نفر میرسد. همان روز بدلیل شدت جراحات، ۸ نفر از زخمیها به بیمارستان سنج انتقال مییابند و نفر بعدی کماکان در بیمارستان سقز بستری است. خبر این واقعه فوری در شهر پخش میشود و غم و اندوه بر فضای شهر حاکم میشود. صدها نفر از مردم شهر سقز برای اطلاع دقیق از ماجرا و وضعیت زخمیها در اطراف بیمارستان تجمع میکنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ابراز تأسف عمیق از این واقعه دردناک به خانواده و بستگان قربانیان این حادثه و همچنین مردم شهر سقز تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه آنان شریک میدانید. ما چشم انتظار بهبود تمام کسانی هستیم که در این واقعه زخمی و در حال حاضر بستری هستند.

### کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مهر ماه ۱۳۸۲  
۳۰ سپتامبر ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## باید هرچه زودتر...

برای سرنوونی جمهوری اسلامی توان و کیفیت جدیدی بخشید. هرکس و یا هر نیروی معترض به جمهوری اسلامی این واقعیت را نه بیند، بی ربطی خود را به تحولات سیاسی جامعه ایران اثبات میکند. اعتراضات این دوره بقایای توهما ت مربوط به خاتمی و خاتمی چيگري و "اصلاحت" را از صحنه جاري کرد و جمهوری اسلامی و توده مردم سرنوونی طلب را لخت و عريان رو در روی هم قرار داد. اکنون هم مردم سرنوونی طلب و هم جمهوری اسلامی میدانند هر کشمکش و تقابلی بین این دو روی دهد بدون هیچ پرده پوشی ای بر بستر سرنوونی رژیم اسلامی و بزیرکشیدن آن صورت میگیرد. دیگر حائلی نیست، خاتمی و "اصلاحت" به سکه سیاهی تبدیل شده اند و ایدئولوگها و سخنگویان "اصلاحت" دارند با صدای بلند مرگ "اصلاحت" را اعلام میکنند. در عوض مردم نترس تر و معترض تر شده اند، مبارزه جوانان و بویژه زنان در سطح وسیعی برای زیر پا نهادن قوانین اسلامی تشدید شده است، کارگران بر شدت مبارزه و اعتراضات خود افزوده اند، مدارس

که سابقا دهها بار اتفاق افتاده و جمهوری اسلامی در خونسردی توام با بیرحمی اسلامی بسادگی از کنار آن رد شده است. این بار اما این حادثه بر اثر اعتراض جمعی کارگران نه تنها در سطح وسیعی به روزنامه های رژیم که به دلالتهای حکومت اسلامی نیز کشید شد، مدیر آن بخش از کارخانه که این حادثه در آن روی داده بود برای ادای توضیح احضار شد و سرانجام کارخانه نیز بر اثر اعتراض شدید کارگران دو روز تعطیل گردید. علت و جواب چرای آن را باید در تحولات سیاسی جامعه ایران، چرخیدن تناسب قوا به نفع توده مردم سرنوونی طلب بویژه بعد از ۱۸ تیرماه امسال و گسترش اعتراضات هر روزه کارگران علیه حکومت اسلامی جستجو کرد. اعتراضات ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر امسال، علیرغم سرکوب و بگیر و به بندهای همراه آن، چرخشی در فضای سیاسی ایران ایجاد کرد، تناسب قوای جدیدی را به نفع مردم به جمهوری اسلامی تحمیل کرد و در نتیجه به مبارزه

و دانشگاهها باز شده اند، صدای اعتراض رادیکال معلمان بلند شده است. در سطح بین المللی نیز جمهوری اسلامی از طرف دولت آمریکا و دوستان اروپائیش زیر فشار است، قدرت مانوری که سابقا بین این دو نیرو داشت محدود شده است، دولت آمریکا و سایر دول غرب اسلام سیاسی مسلح به بمب اتم را تحمل نخواهند کرد و فشار خود را بدین منظور بر جمهوری اسلامی تشدید خواهند کرد. در چنین شرایطی هر حادثه ای ولو در یک کارخانه میتواند زنگ خطری را که کمر جمهوری اسلامی را بسرعت خرد خواهد کرد بصدا در آورد؛ گسترش اعتراضات کارگری و سربایت آن به صنایع کلیدی، صنعت نفت و پالایشگاهها و ذوب آهن و برق و غیره همگام با اعتراضات دیگر توده میلیونی زنان و مردان متنفر و منزجر از جمهوری اسلامی یا حمایت سیاسی رهبران و فعالین کارگری در این صنایع از آزادیهای سیاسی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی، هر دوی اینها بر بستر تنفر و انزجار عمومی مردم از جمهوری اسلامی

بطور قطع حکومت اسلامی را بزیر کشیده و ساقط خواهد کرد. این شرایط با صدای بلند قبل از هر کس رهبران و فعالین جنبش کارگری بویژه صنایع کلیدی را جهت ایفای نقش خود در صحنه سیاسی ایران فرامیخواند، این شرایط در حکم دعوتی است برای دست زدن آنان به عمل مستقیم انقلابی که در راه است. بویژه حضور رهبران و فعالین کارگری در صحنه مبارزه برای سرنوونی جمهوری اسلامی همگام با حضور سیاسی فعال حزب طبقاتی خود، حزب کمونیست کارگری بعنوان یک وزنه قدرتمند در معادله قدرت، صحنه سیاسی جامعه ایران را بسرعت تغییر خواهد داد و امید به پیروزی و تحقق جامعه ای کاملا آزاد و برابر با زندگی شایسته انسان را دو چندان خواهد کرد. چیزی که در شرایط فعلی حیاتی است یا پیش گذاشتن و دخالت رهبران و فعالین کارگری بویژه رهبران و فعالین صنایع کلیدی در مبارزات جاری و همچنین ایجاد وحدت و همبستگی مبارزاتی عالی تری در میان صف جنبش

سرنوونی برای درهم کوبیدن جمهوری اسلامی است. پشتیبانی کارگران و رهبران و فعالین کارگری از مبارزه و اعتراض معلمان، دانشجویان، زنان و جوانان و دیگر اقشار معترض به جمهوری اسلامی و همچنین پشتیبانی دانشجویان، معلمان، زنان و دیگر توده مردم معترض به جمهوری اسلامی از مبارزه و اعتراض کارگران، آن وحدت و همبستگی مبارزاتی است که جنبش سرنوونی طلبی برای پیشبرد مبارزه هماهنگ و قدرتمند خود به آن احتیاج دارد. همبستگی و اتحاد مبارزاتی ای که نمونه ای از آن را در جریان اعتصاب و اعتراض کارگران بهشهر شاهد بودیم. اگر نمونه این همبستگی را برای مثال در تهران شاهد باشیم، جمهوری اسلامی بطور قطع بسرعت به لبه پرتگاه و فروپاشی سریع سوق خواهد یافت. جمهوری اسلامی عملا باید بداند که با یورش به کارگران با اعتراض معلمان و دانشجویان و زنان و دیگر توده مردم معترض به جمهوری اسلامی روبرو خواهد شد، و با یورش به دانشجویان و معلمان و زنان و

صفحه ۲

## معلمان در مصاف...

مردم گرفتار است. مردم در تعرض و رژیم در استیصال بسر میبرند. هر بهانه ای به اعتراض سیاسی تبدیل میشود. سران رژیم اسلامی به جان هم افتاده اند. رژیم در سرکوب و بگیر و ببند و کشتار ناتوان شده است. نیروهای مزدور و مافیایی با رویحه در هم شکسته، به سراسیمه هزیمت و عقب نشینی افتاده اند. از نظر بین المللی رژیم اسلامی بیش از هر زمان دیگر در انزوا بسر میبرد. دول اروپایی و آمریکایی امید به دفاع از بقای حکومت اسلامی را از دست داده اند. "چالش هسته ای" اسم رمز تقابل دول غربی با رژیم اسلامی شده است. رژیم اسلامی ایران در بی ثباتی عراق، در مسله فلسطین، در فعالیتهای ترویرستی روزانه، وزنه ای "مزاحم" است که به پای خودشان بسته شده است. اکنون دیگر "آیات عظام" خود فراخوان مذاکره و دخالت "شیطان بزرگ" را در بوق میکنند. امتداد "هجرت" نوه خمینی به واشنگتن رسیده است و... در کنار کل معضلات دامنگیر خارجی، در چشم مردم جهان رژیم اسلامی ترویرست و جانی است، منفور است، و قطعا حمایت از مبارزات مردم ایران در مقابل چنین رژیمی پاسخ مثبت خواهد

چند شیفت دیگر کار کنند. ترک تحصیل به امری عادی مبدل شده است. بنا به آمار خودشان ۱۱ در صد از کلاس پنجم، ۸ در صد از دوره راهنمایی و ۶ در صد در دوره دبیرستان ناچار به ترک تحصیل هستند. روزانه، هزاران کودک، جسم نحیف خود را به کارهای شاق و طاقت فرسا میسپارند تا تکه نانی بدست آورند. اینها امکان مدرسه رفتن را ندارند... میگویند یک میلیون و دو صد هزار دانش آموز امسال وارد مدرسه میشوند. اگر چه در جامعه جوان ایران ماتریال انسانی برای شروع درس و مدرسه بسیار بالاتر است. اما صدها هزار کودک و نوجوان دیگر که هرگز امکان راه یافتن به مدرسه را نخواهند داشت ناچارند بار مصیبت زندگی را همراه والدین خود در این سن و سال بر دوش کنند. همراه این رقم دهها هزار معلم جدید نیز به جرگه این کشیده میشوند. مبارزات معلمان در چشم مردم ایران از جمله حرکتی امید بخش در سالهای گذشته بوده است. تحرکات اعتراضی و سیاسی معلمان و تاثیر آن بر رشد و پیشروی فرهنگ مبارزاتی مردم تاریخ خود را دارد. حرکات اعتراضی دیمه و بهمین ماه ۱۳۸۰ نشان داد که معلمان در حرکت خود کل جامعه را بدرجاتی به

چپ چرخاندند. با توقع بالا و شعار و مطالبات مدرن و انسانی کل جامعه را برای رهایی از شر حکومت اسلامی مورد خطاب قرار دادند. شعار (معلم، کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد) آن فرا خوان متحد کننده بود. علاوه بر آن مطالبات سیاسی این حرکت رفع تبعیض، جدایی مذهب از آموزش و پرورش، آزادی زندانیان سیاسی، بیمه بیکاری، امنیت شغلی، حق باز نشستی... آن شعار و مطالبات متحد کننده برای سرنوونی رژیم اسلامی بود که معلمان در چند سال اخیر توانستند خود را به نمونه ای از رادیکالیسم و عدالت خواهی جامعه به معنای واقعی منطبق کنند و سمبل خواست و مطالبات فرا شغلی، فراصنفی در جامعه ایران شوند. اعتراضات آتی در روزهای آینده میتواند ویاید از این دستاورددها فراتر رود. شعار سرنوونی رژیم اسلامی، شعار زنده باد آزادی زنده باد برابری، شعار آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و اعتصاب، شعار آزادی کلیه زندانیان سیاسی، شعار مرگ بر آپارتاید جنسی، پرت کردن حجاب در مدارس و دانشگاه میتواند تاریخ مهر امسال را به دی و بهمین ۱۳۸۰ وصل کند. جامعه در تب تحولات جدی

میسوزد. مردم کارد به استخوانشان رسیده است. رژیم ناتوان و در مانده است. هر تعرض تازه ای رژیم را به لب گور نزدیکتر میکند. دوره اعتراضات سراسری اعتصابهای کارگری و تظاهراتهای خیابانی است. هیولای کشتار و خون به زانو در آمده است. رژیم اسلامی باید برود. مردم آزادیخواه ایران سالها است بر چیدن بساط جنایتکاران را تدارک دیده اند. میشود در همین رودیها کارش را تمام کرد. حرکت معلمان باید رو به جامعه، رو به کارگر و دانشجویان، رو به جنبش برابری طلب زنان، رو به جنبش رهایی فرهنگی و جنبش سرنوونی، جامعه را به مصاف نهایی با رژیم اسلامی دعوت کند. تشکل مترادف با چپ گرایی و سکولاریسم مبارزات جاری، آن ضرورتی است که باید در این دوره به سرعت جواب گیرد. رهبری سرنگون کردن دستگاه کشتار اسلامی، آن انتخابی است که باید سریعا جامعه را بخود متوجه کند. دانشجویان و معلمان کمونیست باید در راس مبارزات سرنوونی طلب قرار گیرند. تماس و ارتباط وسیع با حزب کمونیست کارگری، با سازمان جوانان کمونیست، با سازمان آزادی زن باید وسیعا تبلیغ شود و صورت گیرد. ۷ مهر ۱۳۸۲